

# دایره‌ی گچی قفقازی

برتولت برشت

تنظیم اشعار

فروغ فرخ‌زاد

مترجم

حمید سمندریان

## آدم‌های بازی:

آرکادی چایدزه، خواننده

گنورگی آباشویلی، حاکم

ناتلا آباشویلی، زن حاکم

میشل آباشویلی، پسر حاکم

شالوا، آجودان

آرسن کازبکی، فرماندار چاق و چله

بیزرگان کازبکی، خواهرزاده‌ی فرماندار

نیکو میکادزه، پزشک

میکا لولادزه، پزشک

سیمون چاچاوا، سرباز

گروشه واخاندزه، دخترک آشپز

لاورنتی واخاندزه، برادر گروشه

آنیکو، همسر لاورنتی

آناستازیوس، تارک دنیا

آزداک، میرزابنویس دهکده

شانووا، پاسبان

آیراکلی، راهزن

ایلوشویولادزه، وکیل

ساندرواویولادزه، وکیل

یک پیرمرد دهاتی، یک زن دهاتی، یک جوان دهاتی و یک کارگر جوان که همگی اهالی کالخوز گله‌داران «گالینسک» هستند.

یک پیرمرد دهاتی، کاتوواختانگ - خانمی که متخصص امور کشاورزی است، یک خانم جوان که راننده‌ی تراکتور است، سرباز مجروح و رعیت‌های دیگر که جزو کالخوز میوه‌کاران «روزا لوکزامبورگ» هستند.

یک کارشناس که از پایتخت آمده است.

خوانندگان و نوازندگان، چهار ندیمه، چند نفر پیشخدمت قصر، سربازان گارد محافظ، سربازان زره‌پوش، گروهبان، کله‌خر - سرباز.

پیرمرد دهقان شیرفروش، دو خانم اعیان، مهمانخانه‌چی، لودویکا - دختر مهمانخانه‌چی، سرایدار، یک زن دهاتی و شوهرش.

مادر شوهر موقتی گروهه، یوسف - همسر موقتی گروهه، مهمانان عروسی، چند کودک.

یک فراری - فرماندار کل، پزشک، مرد افلیج، مرد

## کشمکش بر سر یک درّه

میان خرابه‌های یک دهکده‌ی از جنگ آسیب‌دیده در قفقاز، افراد دو کالخوز مختلف، در حالی که شراب می‌خورند و دود می‌کشند، دایره‌وار دور هم نشسته‌اند. اغلب آن‌ها زن و یا عاقل مرد هستند، ولی چند سرباز هم میان آن‌ها دیده می‌شود. یک کارشناس کمیسیون دولتی امور نوسازی هم که به تازگی از پایتخت آمده است، در جمع آن‌هاست.

(از سمت چپ با دست نشان می‌دهد.) ما روی اون تپه‌ها جلو سه تا از تانک‌های نازی‌ها رو گرفتیم. اما دیگه نهال‌های سیمون از بین رفته بود.

(از سمت راست) کشتزارهای قشنگمون تبدیل شد به خرابه!

(راننده‌ی تراکتور، از سمت چپ) رفیق اون‌ها رو من آتیش زدم. (سکوت)

یک زن دهاتی

یک پیرمرد دهاتی

یک زن جوان